

گونه شناسی سنت و بدعت در قرآن و روایات

محمدتقی خاکی آخولا*

چکیده

از جمله مفاهیمی که در عصر حاضر، دچار تنوع برداشت و بعضی از انحرافات شده است، بدعت و سنت است که لازم است معانی و انواع آن از منابع اصلی شرع - قرآن و روایات - بررسی شود. از این رو ضرورت دارد که بدعت و سنت در قرآن و روایات گونه شناسی شود. این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی به گونه شناسی سنت و بدعت با محوریت قرآن و روایات پرداخته است. بر این اساس به منابع اصلی - قرآن، نهج البلاغه، بحارالانوار، اصول کافی و غیره - مراجعه شده است، با مراجعه به قرآن این گونه استفاده می‌شود که سنت در قرآن حول دو محور یعنی سنت‌های الهی و سنت‌های بشری است. روایات، سنت را منحصر در قول، فعل و تقریر معصومین می‌دانند. بدعت‌ها در قرآن به اعمال عده‌ای اطلاق شده است که کلام خداوند را تحریف و یا تبدیل می‌نمایند و یا رهبانیتی ابداع می‌کنند. بدعت در روایات به اموری که مخالف فعل، قول و تقریر معصومین و خارج از قواعد کلی شرع است اطلاق شده است. این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی به پژوهش گونه شناسی سنت و بدعت با محوریت قرآن و روایات پرداخته است.

واژه‌های کلیدی

سنت، بدعت، قرآن، روایت

*. دانش آموخته سطح سه تبلیغ گرایش حج مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع).

مقدمه

در منطق اسلام، پایه‌گذاری یک برنامه اجتماعی، مسئولیت آفرین است و خواه‌ناخواه انسان را در آن برنامه و کار تمام کسانی که به آن عمل می‌کنند شریک و سهیم می‌سازد، چراکه انگیزه‌های عمل، بخشی از مقدمات عمل است و هر کس در مقدمه کاری دخیل باشد، در ذی المقدمه نیز شریک است، هرچند مقدمه ساده‌ای باشد^۱. افعال انسان‌ها گاهی لغو ولی بسیاری مواقع ریشه در دین، اعتقادات، افعال بزرگان و گذشتگان دارد. اگر فعلی به دین نسبت داده شود و دین آن را نگفته باشد بدعت خواهد بود، خواه نهی و ردی هم برای آن وارد شده باشد یا خیر. اصل آن است که با اصول کلی و عمومی دین و معصومین مطابقت داشته باشد یا حداقل تعارض نداشته باشد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارای یک سری آداب و سنن بودند. روش زندگی او به‌عنوان آخرین برنامه بندگی صحیح بشری در اختیار انسان‌ها است. کسانی بانام بزرگ، سعی کرده‌اند بعضی از قسمت‌های دین را عوض یا حذف کنند یا بدعت و چیز تازه‌ای جایگزین کنند. ائمه معصومین، با آوردن خصوصیات بدعت در سخنانشان به مسلمانان بصیرت داده‌اند تا با شناخت و مبارزه با بدعت‌ها، به دین ناب محمدی، نزدیک شوند. در این میان مسائل مستحدثه و جدیدی که از اصول کلی مذهب خارج نیستند و مصداق بدعت شمرده نمی‌شوند، طبق نظر عالمان دین‌شناس، سنت خوب شناخته‌شده و انجامش خوب است.

بدعت و سنت در لغت و اصطلاح

سنت در لغت

سنت به معنای راه، روش، طریقه، طبیعت و شریعت آمده است.^۲ کتاب المنجد این کلمه را از ریشه (سن) دانسته و آن را به معنای تیز کردن، صیقل دادن، راندن و راه بردن یک چیز در مسیر مشخص معرفی نموده است. سنّ الماء، آب را ریخت و سنّ السبیل، یعنی در راه حرکت کرد.^۳ همین معنی را اقرب الموارد هم تأیید می‌کند.^۴

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۶.

۲. لغت‌نامه دهخدا، واژه «سنت».

۳. ترجمه المنجد، واژه «سنّ».

۴. اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد واژه «سنّ».

سنت در اصطلاح

تعریف‌های مختلفی، از سنت شده است. سنت در فرهنگ‌ها؛ همان شیوه، روش و آهنگ عمومی است. زهری نوشته است: شیوه معمول را سنت گویند، چه نیک چه بد. برخی، شیوه استوار و پسندیده را سنت گویند.

اصولیان، به سنت با نگاه منبع تشریح می‌نگرند و به‌عنوان یکی از منابع فکر اسلامی و تشریح تعریف می‌کنند. آنان می‌گویند: سنت عبارت است قول و فعل و تقریر صادرشده از پیامبر اکرم.^۱

فقیهان، گاه سنت را در مقابل بدعت نهاده‌اند و گفته‌اند: سنت هر چیزی است که از شریعت، و خوب آن رامی توان بهره گرفت.^۲ آنچه در عرف فقیهان بیشترین کاربرد را دارد، سنت به معنای استحباب است، این معنی برای سنت در روایات و بیان فقیهان بسیار شایع است. در واقع جمع دو مطلب این است که سنت دو گونه است: واجب که عمل به آن هدایت و ترک آن ضلالت و گمراهی است و مستحب که عمل به آن فضیلت و ترک آن خطا است.^۳ علی‌علیه در تعریف سنت فرمود: «سنت» راه و روشی است که پیامبر ﷺ مقرر فرموده و «بدعت» روشی است که بعد از آن حضرت پیداشده است.^۴

بدعت در لغت

البدعة (ج بدع): عقیده جدیدی که مخالف ایمان باشد.^۵ بدعت، اسم هیئت است از ابتداع مانند رفعت از ارتفاع. بدعت یعنی احداث و اختراع چیزی بدون نمونه و همانند گذشته.^۶ پس بدعت به هر کار نو و بی سابقه، آئین نو، رسم تازه و عقیده تازه برخلاف دین گفته می‌شود.^۷ کتاب مجمع البحرین، علت نام‌گذاری بدعت به این لغت را،

۱. الأصول العامة، المجمع العالمي لأهل البيت ﷺ، ص ۱۱۷.

۲. وسایل الشیعة، ج ۱ ص ۴۳۱.

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶۴.

۴. معانی الاخبار، ج ۱، ص: ۳۵۱

۵. ترجمه المنجد، ماده بدع.

۶. العین، واژه بدعت.

۷. فرهنگ فارسی معین، ماده بدعت.



در آوردن و ابداع خود فرد از پیش خود، دانسته است.^۱

بدعت در اصطلاح

نکته مهم در مسئله بدعت آن است که مفهوم بدعت به صورتی تبیین شود تا بدعت از غیر آن تمییز داده شود، در این زمینه برای درک حقیقت بدعت، بایستی به دو مطلب توجه نمود:

الف- بدعت، نوعی تصرف در دین، از طریق افزودن یا کاستن شریعت است؛ بنابراین برخی نوآوری‌ها، ربطی به دین و شریعت ندارد و یک مسئله عرفی و عادی است و بدعت نخواهد بود (هرچند مشروع بودن آن مشروط به این است که ابداع و ابتکار مزبور در شرع ممنوع نباشد). بشر در مسکن، پوشاک و دیگر وسایل زندگی همواره دست به نوآوری‌هایی می‌زند و به‌ویژه در عصر ما بسیاری از روش‌ها و ابزارهای معمول زندگی دگرگون‌شده و برای نمونه‌های جدیدی پدید آمده است. بدیهی است که همه این‌ها، نوآوری بوده ولی ارتباطی به بدعت در شرع ندارد. با سه ویژگی می‌توان به نوآوری بودن یا بدعت بودن یک امر پی برد؛^۱ نوآوری در امور عرفی که هیچ‌گونه ارتباطی به مسائل شرع ندارد مثل نوآوری مربوط به صنایع و اختراعات، این‌گونه موارد مفیدند و همه عقلای عالم از آن استقبال می‌کنند.^۲ نوآوری پیرامون مسائل شرعی، بی‌آنکه به شرع نسبت داده شود. مثل مجالس بزرگداشت، جلسات مسابقات قرآنی، بنای مساجد باکیفیت خاص و... که برای پیشرفت مقاصد و اهداف دینی در نظر گرفته می‌شود و هیچ‌کس آن را به‌عنوان یک دستور خاص شرعی نمی‌شناسد و از این‌رو بدعت نخواهد بود،^۳ نوآوری به معنای شکستن حریم دین، اضافه یا کم کردن قانونی در آن که بدعت حرام است و باعث گمراهی مردم^۴.

ب- اساس بدعت در شرع به این نکته بازمی‌گردد که چیزی را به‌عنوان یک امر شرعی به کار برند، درحالی‌که برای مشروعیت آن، اصل یا ضابطه‌ای در شرع وجود نداشته باشد؛ ولی هرگاه کاری را که انسان به‌عنوان یک عمل دینی انجام می‌دهد، دلیل

۱. مجمع البحرین، لغت بدعت.

۲. وهابیت بر سر دوراهی، ص ۱۱۷.

شرعی (به صورت خاص، یا کلی و عام) بر مشروعیت آن وجود داشته باشد، آن عمل بدعت نخواهد بود. از این روست که علامه مجلسی می گوید «البدعة فی الشرع ما حدث بعد الرسول [بما أنه من الدین] و لم یکن فیہ نصٌ علی الخصوص ولا یكون داخلاً فی بعض العمومات»^۱. عموم کارها مانند ساختن مدارس، پوشیدن لباس، تهیه غذا و یا سکنی دادن به مؤمن و کمک به او که با شیوه های جدید مطرح است، از آنها نهی هم نشده است و استحباب هم دارد؛ بدعت نیست، ولی زمانی که خصوصیتی به آن بدهند و بگویند با این نحو خاص پوشیدن یا خوردن مطلوب شارع است، بدعت است. حتی نماز که بهترین اعمال است و در هر حال انجام آن، مستحب است، اگرچند رکعت مخصوص بر وجه مخصوص یا در وقت مخصوص و معین، به دین نسبت داده شود بدعت است (مانند نماز تراویح که توسط خلیفه دوم در ماه رمضان سنت شد) و چنانچه کسی بگوید در فلان وقت بخصوص هفتاد بار (لا اله الا الله الا الله) گفتن مستحب یا واجب است بدون اینکه نص صریحی داشته باشد، بدعت است.

روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام که به حکم حدیث متواتر (ثقلین)، از مصادر شریعت و دلایل احکام دینی به شمار می رود، هرگاه به جواز یا منع چیزی تصریح کنند، پیروی از گفتار آنان پیروی از دین بوده و مشمول عنوان بدعت گذاری در دین نخواهد بود.^۲

شهید اول می فرماید: آنچه بعد از پیامبر پدیدار گشته، بر پنج قسم است: واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح. به این شرح: ۱- واجب مانند تدوین قرآن و اخبار زیرا تبلیغ دیانت به آیندگان واجب است. ۲- حرام و آن بدعتی است که دلیل تحریم، آن را شامل شود. چون تقدیم غیر امام معصوم بر امام معصوم و غضب مناصب ویژه ایشان، جنگ با اهل حق و نوشیدن آشامیدنی های مسکر. ۳- مستحب و آن هر عملی است که ادله استحباب آن را شامل شود؛ چون ساختن مدارس و خانه ها، ۴- مکروه و آن چیزی است که دلیل کراهت آن را شامل شود؛ مانند زیادی در تسبیح حضرت زهرا و کاستن

۱. بحار الانوار، بیروت، ج ۷۱، ص ۲۰۲.

۲. چهل حدیث، ص ۵، حدیث ثقلین (إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي اهل بيتي ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا أبدا فإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض).

آن. ۵- مباح و آن در مورد ادله اباحه است مانند غربال کردن آرد؛ بنابراین معنی بدعت، تغییر دادن دین الهی، به رأی و عقل ناحق خود و یا چیزی بر آن افزون یا کم کردن است چه در اصول و چه در فروع.^۱

سنت و بدعت در قرآن و روایات معصومین

الف- کاربرد کلمه سنت در قرآن

واژه سنت در قرآن کریم ۱۶ بار آمده است. آیاتی که سنت الهی را ثابت و تغییرناپذیر می‌داند مثل ﴿وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾^۲ یا ﴿تَحْوِيلًا﴾^۳ و آیاتی که به سنت و آداب و رسوم گذشتگان پرداخته ﴿سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ﴾^۴ و ﴿فَقُلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّةَ الْأُولِينَ﴾^۵ و... در دو جا هم آمده ﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَتَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ﴾^۶ ﴿وَيَهْدِيكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾^۷. تمامی ۱۶ بار کاربرد این واژه^۸، در باب سنت‌های الهی یا سنت‌های گذشتگان و رسوم آن‌ها می‌باشد و سنت در قرآن به معنای اصطلاحی قول، فعل و تقریر رسول‌الله و معصوم نیامده است. منظور از سنت در قرآن؛ همان قوانین ثابت و اساسی (تکوینی) یا (تشریحی) الهی هستند که هرگز دگرگونی در آن روی نمی‌دهد.^۹

انواع سنت‌ها و قوانین الهی

۱- سنت امداد؛ ﴿كُلًّا نُمِدُّ هَوْلًا و هَوْلًا﴾^{۱۰} هریک از این دو گروه (آخرت طلب

دنیاطلب) را یاری می‌کنیم.

۱. گناهان کبیره، صص ۳۳۹-۳۴۱.

۲. فاطر / ۴۳ و احزاب / ۶۲.

۳. فاطر / ۴۳.

۴. احزاب / ۳۸.

۵. فاطر / ۴۳.

۶. آل عمران / ۱۳۷.

۷. نساء / ۲۶.

۸. المعجم المفهرس، لغت سنة.

۹. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۳۵.

۱۰. اسراء / ۲۰.

۲- سنت استدراج؛ ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۱ کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج از جایی که نمی‌دانند، گرفتار مجازات خواهیم کرد.

۳- سنت هدایت؛ ﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾^۲ پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده است و سپس هدایت کرده است.

۴- سنت رحمت؛ ﴿كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ﴾^۳، پروردگارتان رحمت را بر خورد فرض کرده است.

و سنت‌های پیروزی رهبران الهی،^۴ نابودی باطل و...

از ویژگی‌های سنن الهی؛ به ثبات آن و تبدیل و تحویل نیافتن آن‌ها می‌توان اشاره کرد.^۵ آن‌ها به دو گونه تکوینی و تشریحی، تقسیم می‌شوند. تکوینی قوانین ثابتی هستند که در دل همه کائنات جریان دارد، تشریحی هم آن دسته از قوانین ثابتی است که ناظر به زندگانی ظاهری، فردی و اجتماعی بشر است. برای نمونه، رفاه اجتماعی بشر در پرتو تقوا و خداترسی به دست می‌آید (واگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوای پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم، ولی آن‌ها حق را تکذیب کردند، ماهم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم).^۶

هدف اسلام از ایجاد و تأسیس سنت آن است که جهان هستی و دنیا به صلاح و خیر خود نائل شود ولی غرض و هدف سنت‌های بشری، برآوردن امیال و خواسته‌های

۱. اعراف / ۱۸۲.

۲. طه / ۵۰.

۳. انعام / ۵۴.

۴. مجادله / ۲۱.

۵. انبیاء / ۱۸.

۶. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۲۹۶.

۷. اعراف / ۹۶. ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كُفَرُوا﴾.

خودشان است.^۱

ب- سنت در روایات

۱- تشویق به پایبندی به سنت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمان را توصیه به عمل به سنت می‌نماید که اگر خوب عمل کند، عملش پذیرفته است و اگر اشتباه کند بخشوده می‌شود.^۲ امام زین العابدین علیه السلام، افضل اعمال در نزد خداوند را عمل به سنت می‌داند، هرچند کم باشد.^۳

۲- نهی از شکستن سنت پسندیده

امام علی علیه السلام در فرمان حکومت مصر به مالک اشتر می‌فرماید: سنت پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن رفتار کرده‌اند و موجب همدلی و همبستگی شده و کار مردم بر طبق آن نظم و سامان گرفته است، مَشکن و هیچ‌گاه سنت و روشی پدید می‌آورد که به سنت‌های گذشته کمترین لطمه‌ای زند، زیرا در این صورت پایه‌گذار سنت گذشته مأجور خواهد بود و تو با شکستن آن گناهکار.^۴

۳- پاداش و سزای بنیان‌گذار سنت

از نظر رسول الله صلی الله علیه و آله، هر که سنت نیکویی بگذارد که پس از مرگش بدان عمل شود، هم اجر خودش را دارد و هم به اندازه اجر کسانی که به آن عمل می‌کنند، بی‌آنکه از اجر ایشان کم شود و هر که سنت ناپسندی نهد و پس از مرگش بدان رفتار شود، گناهکار است و به اندازه گناه کسانی که به آن سنت عمل می‌کنند نیز برایش گناه است بی‌آنکه از گناه آنان چیزی کم شود.^۵

در اینجا یک شبهه‌ای مطرح می‌شود و آن اینکه طبق آیه ۱۸ سوره فاطر ﴿وَإِنْ تَدْعُ مَثْقَلَهُ إِلَىٰ حِمْلِهِ لَا يَحْمِلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَ لَوْ كَانَ ذَا الْقُرْبَىٰ﴾؛ یعنی اگر فرد سنگین باری، دیگری را، دعوت به حمل گناهانش کند پاسخ منفی به دعوت او می‌دهد و چیزی از

۱. المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۳، ص ۳۵۹.

۲. کنز العمال، ص ۹۱۱ به نقل از منتخب میزان الحکمه، باب سنت (صاحبُ السُّنَّةِ إِنْ عَمِلَ خَيْرًا قَبْلَ مِنْهُ وَ إِنْ خَلِطَ غَفِرَ عَنْهُ).

۳. الکافی، ج ۱، ص ۷۰. إِنْ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ مَا عَمِلَ بِالسُّنَّةِ وَ إِنْ قَلَّ.

۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳ ص ۵۷۳.

۵. کنز العمال، ۴۳۰۷۹، به نقل از منتخب میزان الحکمه، باب سنت.

گناه و مسئولیت را حمل نخواهد کرد، هرچند از بستگان و نزدیکان او باشد. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا این آیه با روایات فراوان در مورد سنت حسنه و سیئه منافاتی ندارد؟ البته جواب روشن است، چراکه سنت گذار، مثل کمک‌کار یا مشوق است که سهمی در انجام آن عمل دارد که در این صورت مسلمان عمل موردنظر، جزء اعمال او هم محسوب خواهد شد زیرا در آن شریک و سهیم است.

ج- بدعت در قرآن

۱- بدعت گزار ظالم است

آن‌ها خدا را درست نشناختند که گفتند: خدا هیچ چیز بر هیچ انسانی نفرستاده است؛ (بگو) چه کسی کتابی که موسی آورد را نازل کرد؟... و چه کسی ظالم تراست از کسی که دروغی به خدا ببندد، یا بگوید: بر من وحی فرستاده شده در حالی که به او وحی نشده است... به آنان می‌گویند: جان خود را خارج سازید؛ امروز در برابر دروغ‌هایی که به خدا بستید و نسبت به آیات او تکبر ورزیدید، مجازات خوارکننده‌ای خواهید دید.^۱ طبق این آیه بدعت گذار ظالم است و مورد مجازات قرار خواهد گرفت.

۲- یهود بدعت گذار است

گروهی از یهودیان که خوب (به سخنان تو ای پیامبر) گوش می‌دهند تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند، آنان جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده‌اند آن‌ها سخنان را از مفهوم اصلی‌اش تحریف می‌کنند (و در آن نوعی بدعت ایجاد می‌کنند).^۲ وای بر آن‌هایی (یهودیان) که کتاب (تورات) را با دست خود می‌نویسند و سپس به (افراد عوام) می‌گویند این کتاب از جانب خداست.^۳ یعنی یهود کتاب خودشان را تحریف کرده بودند و حال می‌خواهند کلمات پیامبر را تغییر دهند. وای بر آن‌ها که

۱. أنعام / ۹۱ - ۹۳. ﴿تَجْعَلُونَهُ قَرَأِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَ عَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَ لَا آبَاؤُكُمْ قُلْ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ؛ وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبْرُكٌ مُصَدِّقٌ لِّلَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَنْ حَوْلَهَا وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ؛ وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَىٰ اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَ لَمْ يُوْحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ.﴾

۲. مائده / ۴۱. ﴿وَ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ.﴾

۳. بقره / ۷۹. ﴿فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِآيَاتِهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ.﴾



بدعت در دین خود آورند.

۳- نکوهش بدعت مسیحیان

رهبانیتی که خود آن را ابداع (و از طریق بدعت‌گذاری ایجاد) کرده بودند ما بر آن‌ها مقرر نداشته بودیم.^۱ پس رهبانیت دیرنشین مسیحیان، عمل ابداعی است و مورد قبول نیست.

۴- حرام کردن حلال، بدعت و حرام است

ای کسانی که ایمان دارید؛ آنچه را که خدا بر شما حلال کرده است، حرام نکنید و از حدّ تجاوز ننمایید.^۲

د- بدعت در روایات

۱- رانده شدن اهل بدعت از درگاه خدا؛ خداوند از پذیرش توبه اهل بدعت سر باز می‌زند. عرض شد چگونه ممکن است؟ فرمود دل اهل بدعت با آن سرشته شده است.^۳

۲- بدعت نوعی گمراهی است؛ بدترین امور (در امور شرعی و عبادی) امور نوظهورند (که بر اساس قرآن و سنت نیستند) و هر بدعتی گمراهی است.^۴

۳- بدعت آتش است؛ پیامبر اکرم ﷺ: از بدعت‌ها پرهیزید چون‌که هر نوظهور (در امور شرعی و عبادی) بدعت است و اهل هر بدعتی در آتش است.^۵ هر بدعتی گمراهی و هر گمراهی مسیرش آتش است.^۶

۴- نکوهش بدعت در دین؛ هرآن کس که در این کار ما (دین) چیز جدیدی پدید آورد که از آن نیست، مردود است.^۷ حضرت علی رضی الله عنه می‌فرماید: چیزی همچون

۱. حدید / ۲۷. ﴿وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ﴾

۲. مائده / ۸۷. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا﴾

۳. بحار الانوار، ج ۲ ص ۲۹۶.

۴. همان، ج ۲، ص ۳۰۱ (و عن جابر قال رسول الله... و شرّ الامور مُحَدَّثَاتُهَا و كل بدعت ضلالة).

۵. همان، ص ۳۰۹ (ایاکم و محدثات امور فان كل محدثة بدعه في النار).

۶. سنن ابن ماجه، ج ۱۶، به نقل از گنجینه معارف، ج ۳، ص ۱۵.

۷. بهاء الدین خرمشاهی، مسعود انصاری، عربی - فارسی، ص ۱۱؛ قال رسول الله ﷺ: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»

بدعت‌ها ویرانگر دین نیست.^۱ مؤمن کسی است که حلال خدا را، حلال و حرامش را حرام بشمارد. هرکس به صاحب بدعت برسد او را احترام کند، حتماً در نابودی اسلام تلاش کرده است.^۲ رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: هرکس در صورت بدعت‌گذار بخندد، هرآینه دین خود را خراب کرده است.^۳

انواع بدعت و سنت

الف- انواع سنت؛

با تعریف سنت به قول، فعل و تقریر پیامبران و معصومان علیهم‌السلام، سنت سه نوع خواهد

بود؛

۱- سنت قولی: مجموعه گفتارهایی که از معصومان - علیهم‌السلام - به مناسبت‌های مختلف یا پاسخگویی به سؤالات شرعی برای تشریح مبانی دینی، صادرشده است و برخی از حاضران در جلسه آن‌ها را حفظ یا ثبت کرده‌اند و بعدها گردآورندگان جوامع روایی کوچک و بزرگ؛ به ما منتقل نموده‌اند. از این رو آنچه در مکتوبات فعلی در دسترس است، حاکی از سنت است نه خود سنت.^۴ بدین سبب سنت به شش نوع (متواتر، مستفیض، مشهور، واحد، صحیح و ضعیف) تقسیم می‌شود.

۲- سنت فعلی: به مجموعه افعالی که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صادرشده است اطلاق می‌شود. از مصادیق بارز آن، کیفیت اقامه نماز و حج است که رسول اکرم با فرمان «**صلوا کما رأیتُمونی اصلی**»^۵ «و خذوا منی مناسککم»^۶ بر فراگیری آن دو به استناد نحوه عمل ایشان (فعل) تأکید نموده است. چون پیامبر معصوم بودند و «**ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی**»^۷ تمامی منش و گفتار و سکوت و امضای ایشان با این نگاه بر ما

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۹۲.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۳۱. «مَنْ مَشَىٰ إِلَىٰ صَاحِبِ بِدْعَةٍ فَوَقَّرَهُ فَقَدْ سَعَىٰ فِي هَدْمِ الْإِسْلَامِ.»

۳. سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۴۳.

۴. کفایة الاصول، ج ۱، ص ۲۳.

۵. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۷۹.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۲۰.

۷. انعام / ۴-۳.

حجت است و عمومیت آیه ﴿وَلَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾^۱ حجیت تمامی افعال پیامبر را تأیید می‌کند.

۳- سنت تقریر: سکوت امام یا معصوم در مقابل عملی که در منظرش اتفاق می‌افتد و نهی نکردن امام یعنی تأیید امام.

سنت‌ها و آداب و رسوم در بین جوامع بشری به چهار قسم خلاصه می‌شوند. ۱- آداب و رسوم خرافی؛ ۲- آداب و رسوم عامیانه؛ ۳- آداب و رسوم دانشمندان و روشن‌ضمیران؛ ۴- آداب و رسوم پیامبران.

خداوند متعال در آیه ۸۵- ۹۰ سوره انعام و ۶۹ آل عمران و آیات دیگر رشد و هدایت پیامبران را به خود نسبت داده است و طرز معاشرت و آداب و رسوم زندگی آن‌ها را امضا و تصدیق نموده است.^۲ بنابراین نوع چهارم؛ آداب و رسوم و سنن حسنه و خوب هستند، حال سه نوع بالا که متولی‌شان مردم غیر معصوم‌اند، دو نوع هستند. سنت حسنه یا سنت سیئه. اگر سنت حسنه‌ای در میان مردم رایج شود، اگر اصول کلی آن در آئین حق باشد و مردم آن را به‌طور خاص به دستور الهی نسبت ندهند، بلکه آن را مصادیقی از مصادیق دستورات کلی بدانند و حق آن را ادا نمایند، سنت حسنه‌ای است ولی در صورت افراط و تفریط و تغییرهاست که سنت حسنه تبدیل به سیئه می‌شود. به عنوان مثال در حال حاضر، مراسمی برای عزاداری، سوگواری، اعیاد و وفات پیشوایان بزرگ دین برگزار می‌شود که مصادیقی از دستورات کلی اسلام در مورد تعظیم شعائر و بزرگداشت پیشوایان دین و شهیدان و مصادیقی است از اصل کلی سوگواری بر شهیدان کربلا و مانند آن‌ها، بی‌آنکه جزئیات و تفصیل این مراسم یک دستور خاص شرعی تلقی شود، بلکه فقط به‌عنوان یک مصداق از آن اصل کلی انجام می‌شود. هرگاه این مراسم از حد و شرع تجاوز ننماید، آلوده به گناه و خرافه‌ای نگردد، مصداق (ابتغاء الله) و مصداق سنت حسنه است و در غیر این صورت بدعت و سنت سیئه خواهد بود.^۳

۱. احزاب / ۲۱.

۲. سنن النبی، صص ۸- ۱۰.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۳۸۳.

ب- انواع بدعت

بدعت به دو گونه خیر و شر تقسیم شده است. گروهی از علما معتقد به تقسیم بدعت به دو نوع ممدوح و مذموم هستند، ولی عده‌ای دیگر چنین تقسیمی را نمی‌پذیرند. بیهقی از شافعی نقل کرده است که امور حادث دو نوع است: ۱- اموری که مخالف با کتاب یا سنت یا اثر یا اجماع است و این ضلالت است. ۲- امور حادثی که نیکوست و هیچ‌یک از علماء با آن مخالفتی ندارند و این نوع مذموم نیست همان‌طوری که عمر در قیام ماه رمضان (نماز تراویح) گفت: این بدعت خوبی است. از دیگر طرفداران این دیدگاه شیخ عبدالحق دهلوی در شرح مشکلات می‌نویسد: بدان‌ها تمام آنچه بعد از پیامبر ﷺ به منصفه ظهور رسید بدعت است. هرکدام از این امور موافق اصول سنت باشد، بدعت پسندیده و هرکدام مخالف باشد، بدعت ناپسندیده و گمراه‌کننده است.^۱ یکی از دلایل او، احادیثی است که از آن‌ها همین تقسیم‌بندی استفاده می‌شود. فریقین از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده‌اند که: هر کس سنت نیکویی بنا نهد، پاداش آن سنت و ثواب عمل‌کننده به آن تا روز قیامت برای وی در نظر گرفته می‌شود و هر آن‌کس عمل ناثوابی را بنا گذارد، پس جزاء خود و عمل‌کننده به آن بدعت تا روز قیامت بر گردن وی است.^۲

تقسیم بدعت به ممدوح و مذموم، دلیل معتبر شرعی ندارد و مخالف سنت است. در بسیاری از روایات بدعت در مقابل سنت قرار گرفته است.^۳ چگونه ممکن است بدعتی که در مقابل سنت قرار گرفته ممدوح باشد؟ یا این‌که چنین کاری بر مبنای اساس سنت باشد؟ به‌علاوه فریقین از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند: هر بدعتی گمراهی و هر گمراهی مسیرش به سوی آتش است که عمومیت کل بدعت را می‌رساند که به هر طریقی که عنوان بدعت به مسئله‌ای صدق کند پیمودن آن راه مذموم و موجب

۱. البدعة، ص ۱۶۲.

۲. صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب: الْحَثُّ عَلَى الصَّدَقَةِ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ ص ۱۰۷۴ رَقْمٌ ۱۰۱۷: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً فَعَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ، كَتَبَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهَا، وَلَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ، وَمَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً سَيِّئَةً، فَعَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ، كَتَبَ عَلَيْهِ مِثْلُ وِزْرِ مَنْ عَمِلَ بِهَا، وَلَا يَنْقُصُ مِنْ أُوزَارِهِمْ شَيْءٌ.»

۳. بحار الانوار، ج ۲، باب ۳۲، ص ۲۶۲.

گمراهی است. خدای متعال از پیمودن هر راهی به جز مسیر مستقیم کتاب و سنت، نهی کرده و می‌فرماید: این راه مستقیم من، راه توحید، راه حق و عدالت، راه پاکی و تقواست، از آن پیروی کنید و هرگز در راه‌های انحرافی و پراکنده گام منهد که شما را از راه خدا پراکنده و گمراه می‌کند و تخم نفاق و اختلاف در میان شما می‌پاشد.^۱

جریان‌های اشعری‌گری، اخباری‌گری و غالی‌گری از مصادیق تاریخی بدعت می‌باشند.^۲

معیارهای شناخت بدعت‌گذاران

۱- رجوع به قرآن کریم؛

رسول اکرم ﷺ بیان فرمودند که اگر از من حدیثی شنیدید آن را بر قرآن عرضه کنید، اگر دیدید مخالف قرآن است از من نیست و به من بسته‌اند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: هرگاه مطلبی برای شما از من گفتند ریشه آن را در قرآن کریم سراغ بگیرید.^۳

۲- عقل؛

قرآن عقل را حجت قرار داده است. یکی از اموری که می‌تواند برای شناخت راست کیش از بدعت گزار داور باشد عقل و خرد آدمی است. فرقه‌ای بدعت‌گذار است که آموزه‌های آن خردستیز باشد.^۴

۳- احادیث و سنت قطعی پیامبر و ائمه اطهار؛

پیامبر فرمودند: در هر بدعتی که پس از من برای نیرنگ زدن به ایمان پیدا شود

۱. انعام / ۱۵۳.

۲. رک، کتاب فرهنگ فرق اسلامی، ص ۵۴ و ۵۵ و اسلام و مقتضیات زمان، مرتضی مطهری.

- اجتهادات ابوبکر (ر.ک: اجتهاد در مقابل نص، ص ۴۳).

- اجتهادات عمر (اجتهاد در مقابل نص، ص ۴۳ و شب‌های پیشاور، ص ۸۰۰، ص ۳۶).

- اجتهادات عثمان (اجتهاد در مقابل نص، ص ۴۳).

- اجتهادات معاویه (معاویه سردسته تبه‌کاران، ص ۴۳۲).

- اجتهادات وهابی‌ها (آئین وهابیت، ص ۱۷۶).

- اجتهادات مسیحیان (تفسیر نمونه ذیل آیه ۲۷ سوره حدید).

- اجتهادات یهود (تفسیر نمونه ذیل آیه ۹۳ و ۹۴ سوره آل عمران).

۳. الکافی ج ۱، ص ۶۹.

۴. مسیحیت و بدعت‌ها، ص ۱۵.

سرپرستی از خاندانم گماشته شده که از ایمان دفاع کند و به الهام سخن گوید و حق را آشکار و روشن کند.

عوامل و انگیزه‌های بدعت

۱- شیطان؛

شیطان دشمن اصلی انسان است و می‌کوشد وی را به ارتکاب انواع گناه از جمله بدعت‌گذاری در دین بکشاند. ﴿لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ، انَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَان تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْمَلُونَ﴾^۱ از این رو در این آیه و آیه ۱۴۲ سوره انعام مؤمنان از پیروی کردن شیطان منع شده‌اند.

۲- پیروی از هوی و هوس؛

بدعت‌های فراگیر و ویران‌گر در یک جامعه اسلامی به‌طور ناگهانی و یا با آگاهی مردم به انحراف آن بدعت‌ها بروز نمی‌کند و دین اسلام هم مجموعه‌ای از اصول و عقاید فطری و احکام و تکالیف سازنده مادی و معنوی است لذا به وجود آمدن بدعت‌ها در چنین مکتبی از هوی و هوس بنیان‌گذاران بدعت نشأت می‌گیرد. چنانکه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها، هواپرستی، و بدعت‌گذاری در احکام آسمانی است.^۲

۳- دنیاطلبی؛

از نگاه قرآن رسیدن به مال و مقام دنیایی از انگیزه‌های بدعت‌گذار در دین است ﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾^۳ این آیه راجع به عالمان اهل کتاب نازل شده که به انگیزه تحصیل اموالی که از عوام یهود می‌گرفتند یا استمرار ریاست خود بر آنان، ویژگی‌های پیامبر را در تورات تغییر می‌دادند.

۴- جهل؛

جهل انسان‌ها به حقایق امور، از علل بدعت است. از این رو آنگاه که بنی اسرائیل با

۱. بقره / ۱۶۸ و ۱۶۹.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۵۰، ص ۱۰۲ «إِنَّمَا بَدَأُ وَفُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءٌ تَتَّبَعُ وَ أَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ يَخَالِفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ وَ يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ.»

۳. بقره / ۷۹.

مشاهده بت پرستان از حضرت موسی علیه السلام خواستند تا برایشان مانند بت پرستان، خدایی قرار دهد حضرت موسی این درخواست را از نادانی آنان شمرد. ﴿قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾^۱ و آیه ﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾^۲. این امر ممکن است بانگیزه کسب منفعت باشد یا به زعم آن‌ها نفع رسانی به دین باشد؛ یعنی کسانی که از غفلت و جهالت مردم استفاده می‌کنند و یک سلسله از خرافات را وارد در دین می‌کنند و شاید قصد آن‌ها خدمت به اسلام باشد، چراکه فکر می‌کنند هرگاه مردم و لو به دروغ هر چه بیشتر به پاداش الهی امیدوارتر و از کیفر او بر حذر باشند، در فرمان‌برداری آنان و بندگی‌شان مؤثرتر خواهد بود، لذا به پیامبر و اولیای الهی دروغ نسبت دادند ولی این باطل است و برای پیمودن راه حق باید از حق استفاده کرد و هدف وسیله را توجیه نمی‌کند وقتی انسان حق را ضمیمه باطل کرد دیگر حق نمی‌ایستد و اگر حق را به باطل بیامیزیم حق از بین می‌رود.^۳

۵- تقلید کورکورانه و بدون تعقل و تمایل بشر به اسطوره‌سازی؛

بدعت‌گذاران، از عقل و اندیشه استفاده نمی‌کنند: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُم تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَالِی الرُّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا﴾^۴. در بشر یک حس قهرمان پرستی وجود دارد که در اثر آن درباره قهرمان‌های ملی و دینی به افسانه می‌پردازد. افسانه‌های ساخته شده در مورد بوعلی سینا، شیخ بهایی و... که دارای نبوغ خاصی بودند یا حتی در مورد امام علی علیه السلام از علاقه و تمایل بشر به اسطوره‌سازی ناشی می‌شود. اگر خرافه‌ها را از اسلام جدا کنیم اسلام خود به جلو خواهد رفت.^۵

۶- انگیزه سیاسی؛

انگیزه سیاسی موارد زیر را در بردارد:

۱. اعراف / ۱۳۸.
۲. مائده / ۱۰۴.
۳. سبوری در سیره نبوی، ص ۱۳۶ تا ۱۳۸.
۴. مائده / ۱۰۴.
۵. مجموعه آثار، ج ۱۷ ص ۸۶.

الف) جعل حدیث در دوران معاویه؛

جعل حدیث یکی از ابزارهای مؤثر معاویه در تحکیم حکومت بنی‌امیه و مبارزه با بنی‌هاشم بود. معاویه صد هزار درهم به سمرة بن جندب پرداخت نمود که شهادت دهد آیه ۲۰۷ سوره بقره به حال ابن ملجم نازل شده است (درحالی‌که در مورد فداکاری حضرت علی در لیلۃ المبیت نازل شده است) اما سمرة قبول نکرد. معاویه چند بار مبلغ را زیاد نمود تا این‌که مبلغ را به چهارصد هزار درهم رساند و سمرة پذیرفت و شهادت داد.

ب) پیدایش اسرائیلیات، دشمنی با اسلام و انتقام‌جویی از آن؛

هنگامی‌که قلمرو حکومت اسلامی گسترش یافت و دشمنان اسلام قدرت مقابله نظامی با آن را نیافتند، گروهی از متفکران و متعصبان آن‌ها به‌ظاهر به اسلام گرویدند و با داخل کردن مطالب بی‌اساس و اسرائیلیات در آن از یک‌سو اسلام را از درون بی‌اعتبار کردند و از سوی دیگر مرام و معتقدات خود را بدین‌وسیله زنده نگه داشتند.

ابن خلدون جامعه‌شناس بزرگ اسلامی، علت نشر و گسترش اسرائیلیات را بی‌سوادی قوم عرب و غلبه فرهنگ بادیه‌نشینی در بین آنان توصیف می‌کند. این مطلب در جای خود مطلب صحیح و سنجیده‌ای است اما بدون شک حمایت معاویه از افرادی طماع و کعب‌الاحبارها، دلیل اصلی موفقیت این افراد در نشر مطالب اسرائیلی در جامعه آن روزبه شمار می‌رود، به‌ویژه که قسمتی از اسرائیلیات در فضیلت و برتری شام و بیت‌المقدس وارد شده است و بر تحکیم سلطه بنی‌امیه و معاویه مربوط می‌شود.^۱

ج) غلو و جریان غالی‌گری؛

یکی از خطرناک‌ترین گروه‌هایی که در عصر صادقین علیهم‌السلام پا به عرصه وجود گذاشت و آن دو بزرگوار در برخورد با آنان نقش مؤثری ایفا نمودند، جریان غلو یا غالی‌گری است. چنانچه سیره صادقین علیهم‌السلام نشان می‌دهد هیچ جریانی به این اندازه مورد لعن و انتقاد این دو امام قرار نگرفت که خود گواه نقش منفی این گروه در تخریب عقاید اسلامی و ایجاد بدعت است.^۲

۱. تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۰۲ تا ۱۰۸.

۲. همان، ص ۲۷۸.



۷- هواهای نفسانی؛

قرآن می‌فرماید: ﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ الْهَوَاهُ﴾^۱. آیا دیدی آن‌کس را که خدای خود را هوای خویش قرار داد. علی‌علیه^۲ فرمود: ریشه فتنه‌ها در میان مردم تبعیت از خواسته‌های نفس و بدعت‌ها است.^۲

آثار و پیامدهای بدعت

بدعت‌گذاری در دین، پیامدهای ناگوار در دنیا و آخرت دارد که قرآن کریم به برخی اشاره می‌کند:

- ۱- گمراهی: بدعت‌گذاری موجب گمراهی شخص بدعت‌گذار ﴿وَ حَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾^۳ و دیگران می‌شود.
- ۲- افزایش گناه: بدعت‌گذار با گناه‌کار بودن خود، در گناه دیگران نیز شریک است. ﴿لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يَضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ﴾^۴.
- ۳- قرار گرفتن در زمره ستمکاران: بدعت‌گذاری در دین، تجاوز از حدود الهی است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾^۵. بدعت‌گذار با این کار در زمره ظالمان قرار می‌گیرد. ﴿فَمَنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾^۶. به تعریف قرآن آنان از ظالم‌ترین افراد هستند، زیرا بدعت در دین، نوعی دروغ بستن به خداوند است.
- ۴- محرومیت از محبت، هدایت و رستگاری از سوی خداوند: کیست ستمکارتر از آن‌که به خدا دروغی بنهد تا مردم را ندانسته به گمراهی افکند. شما ستمکارید و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند.^۷ کسانی که به خدا دروغ می‌بندند، نیک‌بخت نخواهند شد.^۸

۱۴۴



۱. جائیه / ۲۳.
۲. نهج‌البلاغه، خطبه ۵۰؛ «إِنَّمَا بَدَأُ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ وَأَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ».
۳. انعام / ۱۴۰.
۴. نحل / ۲۵.
۵. مائده / ۸۷.
۶. آل‌عمران / ۹۴.
۷. انعام / ۱۴۴؛ «... فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ ...»
۸. نحل / ۱۱۶؛ «... إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ».

۵- ترک سنت: هیچ بدعتی گذارده نشد مگر آن که با آن سنتی (دینی) ترک شد.^۱
۶- نابودی اسلام: کسی که به بدعت‌گذار احترام نماید، پس به راستی در نابودی اسلام کوشیده است.^۲

۷- عذاب دردناک آتش جهنم: کسانی که به خداوند دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌شوند، اندک بهره‌ای می‌برند و در عوض به عذابی دردآور گرفتار می‌آیند.^۳ هر بدعتی گمراهی است و راه هر گمراهی به آتش می‌انجامد.^۴

۱۰- منفورترین چهره تاریخ شدن: دشمن‌ترین آفریده‌ها، نزد خداوند دو نفرند: فردی که خدا او را به حال خود وا گذاشته و از راه راست دور افتاده است، دل او شیفته بدعت است و مردم را گمراه کرده و به فتنه‌انگیزی می‌کشانند و راه رستگاری گذشتگان را گم کرده و طرفداران خود و آیندگان را گمراه ساخته، بار گناه دیگران را بر دوش کشیده و گرفتار زشتی‌های خود نیز می‌شود. فردی که مجهولاتی به هم بافته و در میان انسان‌های نادان امت، جایگاهی پیدا کرده است، در تاریکی‌های فتنه فرورفته و از مشاهده صلح و صفا کور است^۵ و...

علی علیه السلام در جای دیگری می‌فرمایند: سنت‌ها روشن و نشانه‌هایش آشکار است و بدعت هم آشکار و نشانه‌هایش برپاست. بدترین مردم نزد خدا رهبر ستمکاری است که خود گمراه و مایه گمراهی دیگران است که سنت پذیرفته شده را بمیراند و بدعت ترک شده را زنده کند.^۶

احکام فقهی بدعت

۱- حرمت بدعت: از آیات قرآن که در آن‌ها بدعت در دین، تجاوز از حدود الهی (مائده/ ۸۷)، ظلم (آل عمران/ ۹۴، مائده/ ۸۷) و افترا بر خداوند (بقره/ ۷۹، انعام/ ۱۳۹) و

۱. تحریر المواعظ، ص ۱۱۲. قال علی علیه السلام: «ما احدثت بدعة إلا ترک بها سنة.»
۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰۴؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من مشى إلى صاحب بدعة فوقفه فقد مشى في هدم الإسلام.»
۳. نحل / ۱۱۶ و ۱۱۷؛ «ان الذين يفترون على الله الكذب لا يفلحون... ولهم عذاب اليم.»
۴. الکافی، پیشین، ج ۱، ص ۵۶؛ قال الصادق علیه السلام: «كل بدعة ضلالة و كل ضلالة سبيلها الى النار.»
۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۷.
۶. همان، خطبه ۱۶۴.



۱۳۸ و نحل / ۱۱۷۷ و ۱۱۶) معرفی شده است و همچنین از احادیث که به طور مطلق بدعت را گمراهی دانسته، بدعت‌گذاران را جهنمی و بدترین مخلوقات خداوند شمرده‌اند و تصریح می‌نمایند که توبه آنان هیچ‌گاه پذیرفته نمی‌شود، می‌توان حرمت بدعت را به طور مطلق استفاده کرد.

۲- کفر بدعت‌گذار: قرآن برخی از بدعت‌ها را کفر و جعل کننده بدعت را کافر شمرده است. ﴿وَمَنْ لَّمْ يَخُكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾^۱.

روش برخورد معصومین علیهم‌السلام با بدعت‌ها

روش مواجهه و سیاست معصومین در قبال بدعت‌ها در دو محور قابل بررسی است؛
 ۱- برخورد هدایتی از طریق بحث و مناظره: اخطار و توضیح مطالب که امامان در مقام روشنگری و توضیح حقایق نسبت به مخالفان از هیچ کوششی دریغ نداشتند.^۲
 ۲- برخورد دفعی و مبارزه منفی: اقدامات دفعی امام چند نوع بوده است:
 الف) معرفی سیمای غلات و پرهیز دادن شیعیان از آنان: امام صادق علیه‌السلام فرمود:
 جوانان خود را از فتنه غلات بر حذر دارید که آنان را منحرف نکنند. غلات بدترین مخلوق خدایند و...^۳.

ب) نفرین صریح و اظهار برائت از غلات: امام صادق علیه‌السلام خطاب به سدید سیرفی فرمود: چشم و گوش و مو و پوست و خون من از جماعت غلات بیزار است. خدا و رسول از آنان بیزار است، این جماعت بر دین من و پدران من نیستند خداوند مرا در قیامت با آنان محشور نکند، مگر آن‌که بر آنان خشمگین باشم.^۴

ج) تکذیب عقاید غلات و تصحیح عقاید شیعیان: در زمان امام صادق دامنه تبلیغات غلات توسعه یافته و گروه زیادی در کوفه تحت تأثیر آنان قرار گرفته بودند.

۱. مائده / ۴۴.

۲. ر.ک: پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۲۸۹ الی ۲۹۲.

۳. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۶۵.

۴. اختیار معرفه الرجال، ص ۳۰۶؛ (یا سدید و بصری و شعری و بشری و لحمی و دمی من هؤلاء براء برأ الله منهم و رسوله ما هؤلاء علی دینی و دین آبائی و الله لا یجمعنی و إیاهم یوم القیامة إلا و هو علیهم ساخت).

وجود تقیه در اغلب برخوردهای اجتماعی موجب شده بود تا غلات شیعه ادعا کنند که امام آنها را به ظاهر محکوم ساخته ولی در باطن به آنها خوشبین است. این طرز تلقی، مشکل امام را در رابطه با جریان غلات از جامعه شیعه دوچندان کرده بود.^۱

د) تفسیق و تکفیر غلات: امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به شیعیان دستور داده بودند تا از نشست و برخاست با این گروه‌ها، خودداری کنند. با اهل بدعت رفاقت نمایند و با آنان هم‌نشین نشینند. مجلسی رحمته الله علیه می‌گوید: سالم بن ابی حفصه از کسانی است که از امام سجاد و حضرت باقر و صادق علیه السلام روایت نقل می‌نمود و زیدی مذهب بوده و از سران آنها است و امام صادق علیه السلام او را لعنت و تکذیب و تکفیر کرده است و در ذم او روایات زیادی رسیده است.^۲

وظیفه مکلفین در مقابل بدعت‌ها و سنت‌ها

پاداش بدعت ستیزان

الف) رفعت درجه در بهشت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه بدعت را دیدید، بیزاری خود را از آن آشکار کنید. خدا برای شما در برابر این کار حسنات می‌نویسد و درجات شما را در آخرت بالا می‌برد.^۳

ب) امنیت و ایمان: هرکس بدعت‌گذاری را بترساند، خدا قلبش را از امنیت و ایمان پر می‌کند.^۴

ج) یقین و رضا: هر کس از روی نفرت از بدعت‌گذار دوری کند، خدا قلبش را از یقین و رضا سرشار می‌کند.^۵

بدعت ستیزی از وظایف عالمان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه بدعت در میان امت من آشکار شد پس بر عالم

۱. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۲۶۲.

۲. اصول کافی، ج ۴ ص ۹۴.

۳. بحار الأنوار ج ۷۱، ص ۲۰۲؛ (... وَ بَاهِتُوهُمْ كَيْلًا يَطْمَعُوا فِي الْفَسَادِ فِي الْإِسْلَامِ. وَ يَحْذَرُهُمُ النَّاسُ وَ لَا يَتَعَلَّمُوا مِنْ بَدْعِهِمْ. يَكْتُبُ اللَّهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الْحَسَنَاتِ. وَ يَرْفَعُ لَكُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ فِي الْآخِرَةِ).

۴. منتخب میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۲۶؛ من اعرض صاحب بدعه ملائله قلبه امنا و ایمانا.

۵. تنبيه الخاطر و نزهة النواظر، ج ۲، ص ۱۱۶.



واجب است دانش خود را آشکار کند اگر چنین نکند پس لعنت خدا بر او باد.^۱ اولین وظیفه عالمان در دوره خاتمیت، دعوت و تبلیغ و ارشاد و مبارزه با تحریف‌ها و بدعت‌هاست. ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾.^۲

شیوه‌های برخورد با بدعت و بدعت‌گذاران

آنچه از روایات مستفاد است توصیه‌های زیر است:

دوری و اعراض، براءت و نفرت، سب و لعن و روشنگری و افشاگری، تهدید و ارعاب. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: از اهل تشکیک و بدعت، آشکارا بیزارى جویید، فراوان آن‌ها را سب کنید و با بیان انحراف‌های آنان، بترسانیدشان تا در دین طمع نورزند و مردم از آنان دوری جویند و بدعت‌هایشان را فراموش کنید خدا با این کارها برای شما حسنات می‌نویسد و درجاتتان را در آخرت بالا می‌برد.^۳ امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز است که دوری جستن از آن‌ها بر هر کس لازم است، نزدیک شدن به اشرار، گفتگو با زنان (نامحرم با احتمال آسیب) و هم‌نشینی با اهل بدعت.^۴ با اهل بدعت همراهی و هم‌نشینی نکنید که نزد مردم یکی از آن‌ها بشمار آید. (زیرا) رسول خدا ﷺ فرمود انسان بر دین دوست و هم‌نشین خویش است.^۵

۱. مفاتیح الحیاة، ۵۱۴. (واذا ظهرت البدع فی امتی فلیظهر العالم علمه، فمن لم یفعل فعليه لعنة الله)

۲. آل عمران / ۱۰۴.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۳۷۵.

۴. تحف العقول، ص ۲۳۲.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۳۷۵.

نتیجه‌گیری

واژه سنت در قرآن کریم حول دو محور سنت الهی که ثابت و تغییرناپذیرند و سنت و آداب و رسوم گذشتگان است اما روایات، سنت را قول، فعل و تقریر معصومین علیهم‌السلام گرفته‌اند. عین واژه بدعت در قرآن نیامده است ولی به صورت مفهومی استفاده شده است یعنی به عنوان مثال وعده عقاب به افرادی که کلام خداوند را تحریف می‌کنند و یا کسانی که ابداع رهبانیت می‌کنند و امثال اینها، اطلاق شده است. بدعت در روایات به اموری که مخالف فعل، قول و تقریر معصومین و خارج از قواعد کلی شرع است، اطلاق شده است.

فهرست منابع

*قرآن کریم.

* نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات تهذیب، چاپ اسوه، ۱۳۷۹.

۱. آخوند خراسانی، **کفایة الاصول**، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ چهارم، سال ۱۴۲۸ ق.
۲. ابی الحسین ورام بن ابی فراس (ت ۶۰۵ ق)، **تنبيه الخاطر و نزهة النواظر**، دار التعارف ودار صعب، بیروت.
۳. ابن شعبه حرانی، **تحف العقول**، ایران، انتشارات شریف رضی، چاپ اول.
۴. استاد ولی، حسین، **آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام**، چ سوم، تهران: انتشارات پیام آزادی، ۱۳۸۱.
۵. الخوری الشرتوتی اللبانی، سعید، **أقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوار**، چاپ اول، ایران، دار الاسوه، ۱۳۷۴.
۶. جُوَانُ أُکْرِیدِی، **مسیحیت و بدعت‌ها**، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، چاپ اول، قم، کتاب طه، ۱۳۷۷.
۷. جعفریان، رسول، **حیات فکری و سیاسی امامان شیعه**، قم، انصاریان.
۸. جوادی آملی، عبدالله، **مفاتیح الحیاه**، قم، اسراء، ۱۳۹۱.
۹. حکیم، سید محمدتقی، **الأصول العامة**، ۱ جلد، قم، المجمع العالمی لأهل البيت «ع»، ۱۴۱۸ ق.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر، **لغت‌نامه دهخدا**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۱. رحمتی شهرضا، محمد، **گنجینه معارف ۳**، چاپ اول، قم، پیام علمدار، ۱۳۸۸.
۱۲. خرمشاهی، بهاء‌الدین و انصاری، مسعود، **عربی فارسی**، ۱ جلد، چاپ: اول، تهران، منفرد، ۱۳۷۶ ش.
۱۳. رحیمی اردستانی، مصطفی، **ترجمة المنجد**، تهران، صبا، ۱۳۸۰.
۱۴. سبحانی، جعفر، **آئین و هابیت**، چاپ هفتم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۵. سلطان الواعظین شیرازی، **شب‌های پیشاور**، چاپ سی‌وشش، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۱۶. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، حماسه حسینی، چاپ سوم، تهران، صدرا، ۱۳۷۸.
۱۷. _____، **سیری در سیره نبوی**، تهران، صدرا.



۱۸. _____ ، فرهنگ فرق اسلامی و اسلام و مقتضیات زمان. تهران، صدرا
۱۹. شیخ کلینی، الکافی، عربی، ۵ جلد، چاپ دوم، تهران، اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۲۰. _____ ، ترجمه کافی، سید جواد مصطفوی ۴ جلد، چاپ اول، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی، .
۲۱. شیخ مفید، مختصر التذکرة بأصول الفقه، ۱ جلد، المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. عبدالعلی محمدی شاهرودی، معانی الأخبار، ترجمه محمدی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ ش، چاپ: دوم.
۲۳. صبحی صالح، علوم الحدیث والمصطلح، چاپ اول، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۴.
۲۴. عبد الباقي، محمد فؤاد، المعجم المفهرس، چاپ ششم، قم، اسلامی، ۱۳۸۴.
۲۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ش.
۲۶. _____ ، سنن النبی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۴.
۲۷. طریحی، سید احمد حسینی فخر الدین بن محمد، مجمع البحرين، تحقیق سید احمد حسینی، چ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
۲۸. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعة، ۲۹ جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۲۹. عطیه، عزت علی، البدعة، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۰ ق.
۳۰. فراهیدی، ابن احمد، کتاب العین، قم، سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، اسوه (۱۳۸۴).
۳۱. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، چاپ سوم، ایران، دارالاسوه، ۱۴۲۲ ق.
۳۲. کشی، محمد بن عمر بن عبدالعزیز، اختیار معرفه الرجال (رجال کشی) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
۳۳. کوشا، محمدعلی، چهل حدیث، چاپ: اول، قم، نهاوندی، ۱۳۷۴ ش.
۳۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ مکرر، تهران، اسلامی.
۳۵. _____ ، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا.
۳۶. محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، تلخیص سید حمید حسینی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۱.
۳۷. مسلم بن الحجاج نیشابوری، صحیح مسلم، (۲۶۱ هـ)، دارالفکر، بیروت.
۳۸. مشکینی، علی، تحریر المواعظ العددیة، عربی، ۱ جلد، چاپ هشتم، قم، الهادی، ۱۴۲۴ ق.
۳۹. معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، چاپ دوازده، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۹۱.
۴۰. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، بی نا، ۱۳۸۲.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. _____ ، وهابیت بر سر دوراهی، چاپ چهارم، قم، مدرسه امام علی، ۱۳۸۵.

۴۳. حسینی میلانی، سید علی، **سنت پیامبر یا خلفا**، قم، انتشارات الحقائق، ۱۳۸۹.
۴۴. نوری، محدث، **مستدرک الوسائل**، ۱۸ جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۴۵. وحید گلیپایگانی، محمد، **معاویه سردسته تبهکاران**، مرکز انتشارات اعلمی، تهران، چاپخانه احمدی.
۴۶. هلالی، سلیم بن قیس، **کتاب سلیم بن قیس الهلالی**، عربی، ۱ جلد، چاپ: اول، قم، انتشارات هادی، سال ۱۴۰۵ ق.